

باصطلاح علـــــوم غـــــريبـه

محمود زارع
مازندران . ساری . سوربن
www.mzare.ir

الحمدلله رب العالمین و صل الله علی سیدنا محمد بن عبدالله ص و آله الاجمعین الی الآن الی قیام یوم الدین

مقدمه

اینکه آدمی همواره در جستجوی کشف و پی ریزی قوانینی بـوده اسـت کـه بـر اساس آن قوانین نسبت به اسرار عالم (عالمین) در حـد مقـدوراتی را خداونـد حکـیم بالاستعداد در بشر قرار داده است ؛ امری روشن و غیر قابل انکار میباشد ولی آیا در این راه تا چه میزان موفق بوده است و یا خیر و اینکه چه روشها و متدهایی در اینخصـوص مناسبتر و صحیح تر بوده است ، امری قابل مباحثه میباشد. و مهم آنکه آیا راهی غیر از آن راهی را که از طریق علوم تجربی بشر تاکنون رفته و اتفاقا به نتایج بسـیار روشـن و درخشانی هم رسیده است ، وجود دارد یا خیر موضوعی قابل تامـل میباشـد کـه بنظـر میرسد که در این باره موضوع دسته بندی موضوعات عالم هستی امری لازم و ضـروری است .

قطعا موضوعات تجربی را میتوان از راه علوم تجربی و قوانینی که از راه این علم کشف شده است ، کشف و تجربه کرد ولی آیا تمامی مسـائل عـالم و یـا سـاختار عـالم هستی را تنها امورات تجربی تشکیل میدهد و اینکـه آیـا اسـتفاده از فنـون و متـدها و قوانین علوم تجربی میتوان به امورات فرا حسی و فراتجربی دست یافـت هـم از مسـائل قابل بحث و تاملی بوده است . خلاصه بسیاری را عقیده بر آنست که از راه علوم تجربی تنهامیتوان به کشف پدیده های تجربی دست یافت و با این وصف بـرای کشـف مسـائل فرا تجربی بایستی از قوانین و متدهای فراتجربی استفاده کرد که بحث ظریف و عمده و مورد اختلاف در همین گلوگاه نهفته است که آن روش یا متد و یا قـوانین فـرا تجربـی چه قوانینی است و تاکنون چه دستاوردهایی را برای بشر داشته است !

از جمله پهنه ها و گستره هایی که تا حدود زیادی در علوم فرا تجربـی همـواره مورد بحث و کنکاش بشر بوده است تحت عنوان کلی علوم غریبه در طول تاریخ مـدون بشر نمود پیدا کرده است و ای بسا که در این مسیر تردستان فریبکار و خدعـه کـارانی نابکار با استفاده از جهل عوام و تمسک به این گستره بدروغ دست به سودجویی هـایی زده اند که تا حدود زیادی حتی اهل خرد و دانش را نیز به ماهیت و اصل این علم و یـا فن دچار شک و تردید و بالطبع بسیاری را بر سر انکار آورده است !

قطعا اشتهای سیری ناپذیر و بـویژه حـس کنجکـاوی بشـر نسـبت بـه آینـده و حصول اطلاع از وقایعی که در آینده امکان وقوع دارند ، عده ای سودجو را بر آن داشت تا با سوء استفاده از این گرایش مردم و نیز مشکلاتی را که عده زیادی از مردم داشته و ظاهرا در مراجعه به عوامل تجربی و طبیعی راهی برای گره گشایی آن پیـدا نمیکردنـد ،این عده سودجو را بر آن داشت تا با تشبث به اهل این فن بقصد فریب و خدعه مـردم را سرکیسه کرده و تنها بقصد منافع مادی ضمن آنکه آنها را مورد سودجویی قـرار داده بلکه مهمتر باعث ضربه های مهلکی به این علوم هم شده اند.

ظاهرا باید قبول کرد که علوم غریبه را علومی ارثی باید دانست که از اولیاء بارث میبرند! بهمین اعتبار باید قائل شد که هر کسی را نمیتـوان وارث ایـن مـاترک دانسـت بلکه شرط در سهم الارث داشتن قرابت و نزدیکی است ، پس کسانی را از ایـن مـاترک سهمی است که فی الواقع شرط وارث بودن را داشته باشد.

از جمله موارد دیگری را که من در راستای مطالعات پراکنده ام در این خصوص ادراک کرده ام این است که یکی دیگر از شروط توفیـق در ایـن علـم یـا فـن ، داشـتن ایمان به صحت آن است در غیر اینصورت ظاهرا اثراتی آنچنـانی در آمـوزش بـر مـتعلم

باقی نخواهد ماند و چنانچه شاگرد در این مدرسه ایمان و باور به این علم نداشته باشد ، شاید بهره چندانی از آن نبرد!

قصد و نیت اصلی بانیان این علم نجات انسانها و اصلاح امورات معاش و معاد آنها ذکر شده است ولی شرط اصلی در این باره استفاده به صواب و ثواب از فنون این علم میباشد به نیت قربة الی الله .

از دیگر لوازم و توصیه های مؤکدی که از سوی علمای اصیل این فن همواره مورد توجه بوده است عدم استفاده سوء از آن بوده است و نیز عدم استفاده ها و بهره های صرفا مادی از آن !

خلاصه توصیه های بزرگان این فنون به طالبان آن بصورت خلاصه در مواردی بوده است که فوقا برشمرده و ذیلا نیز می افزائیم :

مهمترین آنها اعتقاد به خداوند متعال بویژه انکه هر کاری در این عالم تنها با اذن و اجازه و خواست او قابل عمل میباشد و یعنی فاعل و فعال مایشاء تنها خداست!

برای عدم سودجویی هر نااهلی حتی گفته شده است که بایستی از یک فرد عاملی در این علم اجازه صحیح برای عمل بدان اخذ شده باشد بدینترتیب هر کسی نمیتواند خود را عالم این علوم بداند و این در واقع مشابه همان داشتن گواهی و یا تاییدیه و مدرکی است که در علوم طبیعی اشخاص از مراکز معتبر علمی دریافت میدارند !

از جمله شروط اصلی احاطه به این علم عبادت و ریاضت در راه خدا با خلوص نیت میباشد و ظاهرا بدون ریاضت امکان استفاده و صلاحیت در این علم حاصل نمیشود!

طهارت بمعنی اعم خود یعنی پاکی ظاهر و باطن از جمله شروط مهم این علم میباشد بخصوص تاکید ویژه ای به طهارت باطنی بویژه دوری از غیبت و پرهیز از دروغ و دیگر نرنجاندن دل خلق الله !

مراعات ادب ظاهری مانند داشتن وضو و روی به قبله داشتن و خواستن از خدا همانند حالتی که در دعا و یا نماز هستیم ، از جمله شروط کار است !

نهی شدیدی شده است که هرگز به قصد تمتعات دنیوی و بهره های مادی از این علم استفاده نشود!

شرط مهم و اصولی دیگر یقین به آثار و اثر این علم میباشد و این در تمامی مکاتب این علوم ظاهرا مورد تاکید جدی میباشد ! زیرا کسی که خود به صحت این علم

باور نداشته و یا مورد ظن اوست قطعا نخواهد توانست از آن بـرای تمتـع دیگـرا و رفـع مشکلات خلق الله استفاده نماید!

از وصیتهای همیشه تکراری و مهم علمای این فن این بوده است که هرگز فنون این علم را به جاهل و نادان و در یک کلمه نااهل نیاموختن !

توکل بر خدا در هر کاری دارای اهمیت بالاست و در این فـن از شـروط اسـت ! توکلت علی الله !

حروف ابجد

هر علم یا فنی را روش و متد و زبان و ابزاری است ؛ از جملـه ابـزار مهـم و در واقـع اصـلی ترین وسیله استفاده مطلوب از فنونی که در علوم غریبه بطور کـل مـورد نیـاز و اسـتفاده میباشـد ؛ حروف ابجد است .

در تاریخ این علم میگویند حروف ابجد ماخوذ از اسامی پسران یک پادشاهی بود که بترتیب بنام : ابجد – هوز – حطی – کلمن – سعفص – قرشت – ثخذ – ضظغ نامیده می شده اند ! حالا در اینکـه واقعا این حروف نام پسران پادشاه مورد نظر بوده یا نبوده اند چندان مهم نیست و مهم حروفـی ۲۸ گانه است که بترتیب در آن وجود دارد !

حروف ابجد را علمای این فن به دو نوع ۱- ابجد صغیر و ۲ – ابجد کبیر تقسیم بندی کـرده اند . در این تقسیم بندی چنانکه خواهید دید ، مهم اعداد متناظر با این حروف میباشد که در واقـع تفاوت به صغیر و کبیر را در این باره ایجاد میکنند .

حروف ابجد صغیر : این حروف ۲۸ گانه بصورت زیر بوده که قرینه عددی آن را نیز در برابر آن ذکر میکنیم :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۸	۶	۴	۲

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ساقط	۱۰	۸	۴	۶	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴

ابجد کبیر یا حروف جمل :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

البته مطالبی پیرامون خواص خود حروف ابجد در بعضی از منابع یادآوری و ذکر شده است که اکثر افراد در بادی امر آنرا سرشته با خرافات می بینند که مـا نیـز بـرای صحت آن محملی نمی بینیم و تنها برای اطلاع شما از این موارد بـه دو سـه نمونـه آن اکتفاء میکنیم . مثلا گفته شده است که برای تسخیر کس یا کسانی ، هرگـاه ۲۸ حـرف ابجد را در ورقه ای نوشته و در آب بیاندازیـد و آب آن را بخـورد آنـان دهیـد ، مجـرب میباشد! و یا گفته شده است که بر پشت همین ورق نوشته نام دشمن را بنویسند و آنرا به باد آویزان کنند ،دشمن را سرگردان میکند . یا فی المثل گفته اند این کاغذ مـذکور را در آتش انداخته دشمن هلاک شده و صدمه و آسیب خواهد دید . و گفتم کـه شـما لازم نیست این موضوعات و یا ادعاها را باور کنید بلکه مهم بـرای پژوهشـگر تشـخیص درستی یا نادرستی احادیث و موضوعات منقوله در خصوص این علم میباشـد کـه قـبلا گفتیم شرط اثر و آثار آن ایمان به این علم است . موضوعاتی که جـزء ارکـان ایـن فـن میباشد موضوعات دیگری غیر از این منقولات میتواند باشد .

طالع بینی با استفاده از حروف ابجد

قدما گفته اند هر سال دوازده (۱۲) ماه (برج) دارد و هر ماه را طالعی . گفتـه انـد در زمان حضرت سلیمان (ع) که هر انسانی روزگار او شبیه یکی از این دوازده طالع شـده که هر کدام آن خود دارای مشخصات و ممیزاتی است کـه بجـای خـود آنهـا را مطـرح خواهیم کرد ؛ و آن دوازده (۱۲) طالع بشرح زیر میباشد : (بروج دوازده گانه)

عدد ماه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
طالع	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
معنی					شیر							ماهی
معادل												

حال چنانچه میخواستند طالع شخصی را پیدا کنند ، ابتدا نام او و بعد نام مـادر او را به حساب ابجد کبیر درآورده و با هـم جمـع کـرده و سـپس حاصـلجمع را بـر ۱۲ تقسیم کرده و باقیمانده هر چه بود طالع آن شخص بحساب می آید .

اگر زمانی باقیمانده تقسیم فوق عدد صفر (۰) شد باید تنها نام خـود شـخص را بر دوازده تقسیم کرد و این باقیمانده ملاک میباشد.

چنانکه میدانید حروف عربی ۲۸ حرف می باشد و زبان فارسی دارای ۳۲ حـرف ؛ حال اگر اسم فردی بصورتی بود که حـروف چهارگانـه (گ چ پ ژ) در آن بـود بایـد بطرق زیر عمل کرد : مثلا اسم فرد ؛ هوشنگ بنت ژاله بود .

ه	و	ش	ن	گ	بن	ژ	ا	ل	ه
۵	۶	۳۰۰	۵۰	خالی	بن	خالی	۱	۳۰	۵
۳۶۱					+	۳۶			

$$۳۶ + ۳۶۱ = ۳۹۷$$

اگر عدد ۳۹۷ را ۱۲ تا ۱۲ تا تقسیم (جدا) کنیم ، به ۳۳ دسته ۱۲ تـایی تقسـیم شده و لذا خواهیم داشت (۳۹۶) و باقیمانده عدد یـک (۱) میشـود کـه طـالع هوشـنگ معادل برج حمل میشود . گفتیم که در جای خـود تفسـیر طـالع بـروج دوازده گانـه را خواهیم گفت که بطور خلاصه طالع هوشنگ چون در برج حمل بود پس ؛ دلالـت دارد .... و سخن کسی نشنود و در خواب بیهوده گوید و رنگ وی سرخ شود و فریاد کند و دردسر و قولنج ظاهر شده و حرارت زیاد دارد و اگر کودک باشد زبان وچشم بد رسیده و تب دار گردد و ....

البته مبـاحثی ماننـد اینکـه اسـامی غیـر عربـی و فارسـی مثـل اسـامی لاتـین تکلیفشان در این محاسبه چیست و امثالهم از جمله مباحث قابل طرحی است که فعـلا ما قصد بررسی آنرا در اینجا نداریم و این موضوع از جهات متفاوتی قابل تحقیق و تامل است و در واقع سؤال واردی است !

مثال دیگر : اگر چنانچه بخواهید محاسبه کنید که دو نفر بنامهای (آقای محمد زادة مریم با خانم فاطمه زادة بتول) میتوانند با هم ازدواجی موفق کنند یا نه ؟ یعنی در واقـع آیـا سـتاره این دو نفر با هم جفت بوده و یا همخوانی دارد یا نه ؟ بگونه زیر عمل می کنیم :

بدوا نام شخص و نام مادر او را برای هر دو نفر بحسـاب ابجـد کبیـر یـا حـروف جمل درآورده و بعدا جدا جدا حساب نموده و تقسیم مربوطه را هم انجام میـدهیم کـه نحوه آن در مثال قبلی گذشت :

م	ح	م	د	زادة	م	ر	ی	م
۴۰	۸	۴۰	۴	+	۴۰	۲۰۰	۱۰	۴۰
۹۲				+	۲۹۰			

ف	ا	ط	م	ه	زادة	ب	ت	و	ل
۸۰	۱	۹	۵۰	۵	+	۲	۴۰۰	۶	۳۰
۱۳۵					+	۴۳۸			

مجموع چهار اسم بالا میشود = ۹۵۵ حال این عدد ۹۵۵ را بر عدد ۵ تقسیم میکنیم .

اگر باقیمانده تقسیم بالا اعداد یک (۱) یا سه (۳) یا پنج (۵) بشود ؛ این دو به همـدیگر مـی رسـند چـون ستاره آنها جفت می باشد و تا آخر با هم زندگی میکنند. حال چنانچه باقیمانده تقسیم مذکور اعداد دو (۲) یا چهـار

(۴) گردد این دو نفر به هم نمیرسند چون ستاره آنها جفت نمیباشد و تا آخـر بـا هـم زنـدگی نمیکننـد! حـال اگـر باقیمانده تقسیم مذکور عدد صفر (۰) بشود ، معلوم میشود که یکطرف از خانواده طرفین با ازدواج موافق نمی باشند و ستاره آنها بطور قطعی جفت نمی باشد و تا آخر زندگی خانواده طرفین همیشه با هم به طور قهر می باشند.

طبایع چهارگانه

قدما طبع بشر را در یک تقسیم بندی به طبـایع چهارگانـه (آتشـی ؛ خـاکی ؛ بادی ؛ آبی) تقسیم میکردند و برای هر یک خواصی را معتقد بودند کـه بطـور خلاصـه بصورت زیر میتوان آنها را برشمرد:

طبع آتشی : دائم زود عصبانی شده و زود هم خاموش میشود و البته کینه در دل نگه نمـی دارد و همیشه بدن او حرارت دارد و تشنه میباشد و جنگ را زود شـروع میکنـد! طـالع حمـل و اسـد و قوس آتشی میباشد.

طبع خاکی : همیشه متواضع و فرتن و ساکت بوده و با حرمت و احترام با دیگران برخورد کرده و با آنان بمسالمت زندگی میکند! طالع ثور و سنبله و جدی ، خاکی می باشد.

طبع بادی : مدام مغرور و تندخو بوده و حرکات خود را پنهان از چشم دیگران انجام داده و بسیار زیرک و البته کینه ای میباشد! طالع جوزا و میزان و دلو ، بادی می باشد.

طبع آبی : صاحب این طبع همیشه مسرور و شاد است و سه طبع بالا در وجودش ظاهر میگـردد و همیشه از دست و زبان به عذاب می افتد! طالع سرطان و عقرب و حوت ، آبی می باشد.

خادمین شب

علمای فن را اعتقاد بر آن بوده است کـه شـبها را خـادمینی هسـت بـا اسـامی مشخصی که دارای وظائف مشخصی بخصوص شان خدمت را دارند و لذا چنانچه قصـد آنرا داشته باشید که عملی را در موضوعاتی مانند محبت و یا بغض یا احضـار و .... را در شب انجام بدهید ؛ باید خادمین آن شب را نام ببری و در واقع از آنها یاد کنی که گفته اند شرط توفیق در آن عمل هم میباشد . برای ایـن مطلـب نیـز جـدولی بنـام جـدول خادمین هفته طرح نموده اند که بصورت زیر می باشد :

بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
شمعون	دعوان	خراش	خنضر	همعیل	شمردل	
کسفیائیل	روفیائیل	جبرائیل	سمسائیل	میکائیل	صرفیائیل	عنیائیل
للطهطیل	فهطبطیل	لخهططیل	قهطهیل	جهططلیل	مهطلطیل	نهططیل

سعد و نحس هفته و ساعات

چنانکه میدانید یک هفته ، هفت روز می باشد و هر روز نیز متعلـق بـه کـوکبی می باشد. و هر روز ساعاتی سعد و نحس دارد و هر روز از اول ساعت او که ساعت یـک بعدازظهر میشود شروع میگردد. با این وصف :

روز شنبـــــه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ زحل نحس اکبر می باشــد.
روز یکشنبـه ؛ ساعت اول یک بعدازظهر؛ شمس سعد اکبر می باشــد.
روز دوشنبــه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ قمر سعد اصغر می باشـــد.
روز سه شنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ مریخ نحس اصغر می باشـد.
روز چهارشنبه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ عطارد سعد اصغر می باشد.
روز پنجشنبـه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ مشتری سعد اکبر می باشد.
روز جمعـــــه ، ساعت اول یک بعدازظهر؛ زهره سعد اکبر می باشـــد.

درباره هر یک از روزهای برشمرده در فوق (**ایام هفتــه**) کـه کوکـب آنهـا را نـام بردیم ؛ ذیلا توضیحاتی بیشتر را ذکر میکنیم :

روز شنبـــــه : کوکب او زحل است و در آن روز خدای ناکرده اگر تعویـذات و دعاهـای بغض و جدایی و آوارگی نوشته شود احتمالا موثر خواهد افتـاد و ملـک سـفلی میمـون ابانوخ می باشد و حاکم بر ملک علوی او کسفیاییل میباشد و متعلق به برج دلو بـوده و معدن او سرب هست و بخور او شمع سفید و میعه سایله و لادن می باشد.

روز یکشنبه : کوکب او شمس بوده و در آن روز باید تعویذات و دعاهای کارگشـایی و رزق و روزی رونق بازار ، فتح و پیروزی ، بخـت گشـایی ، محبـت ، غلبـه بـر دشـمن ، طلسم دفع دشمن نوشت و ملک سفلی او ابو عبدالله سعید المذهب می باشـد و حـاکم بر ملک علوی او روفیاییل می باشد و متعلق به برج اسد می باشد و معـدن او طـلا مـی باشد و بخور او سندروس می باشد.

روز دوشنبه : کوکب او قمر است و در آن روز باید تعویذات و دعاهـای باطـل سـحر و رزق و روزی نوشت و ملک سفلی او ابی الحارث می باشـد و حـاکم بـر ملـک علـوی او جبراییل می باشد و به برج سرطان متعلق می باشد و به معدن نقره می باشد و بخور او لبان نر می باشد!

روز سه شنبه : کوکب او مریخ است و در آن روز تعویذات و دعاهای شفای مریض باید نوشت و یا بغض و آوارگی دشمن نوشت و ملک سفلی او ابی محرز احمـر مـی باشـد و حاکم بر ملوک علوی سمساییل می باشد و متعلق به برج عقرب می باشد و معـدن او آهـن اسـت و بخور او صندل سرخ است .

روز چهارشنبه : کوکب او عطارد است و در آن روز تعویذات و دعاهای زبان بندی را میتوان نوشت و ملک سفلی او برقان و یکنی بابی العجائب می باشد و حاکم بر ملوک علوی میکاییـل مـی باشـد و متعلق به برج جوزا می باشد و معدن او جیوه و بخور او مقبل ارزق و عنبر می باشد.

روز پنجشنبه : کوکب او مشتری است و در آن روز تعویذات و دعاهای محبـت ؛ رزق و روزی و کارگشـایی و زبـان بندی انجام داد و ملک سفلی او شهمورش و هو قاضی الجن می باشد و حاکم بر ملوک علوی او صرفیاییل می باشـد و متعلق به برج قوس می باشد و معدن او قلع است و بخور او عود و کافور می باشد.

روز جمعه : کوکب او زهره است و در آن روز تعویذات و دعاهای کارگشایی ، رزق و روزی ، محبـت ؛ باطل السحر انجام داد و ملک سفلی او ابیض می باشد و کنیه ابوالحسن زوبعه می باشد و حاکم بـر ملک علوی او عنیاییل می باشد و متعلق به برج ثور مـی شـود . و معـدن او مـس اسـت و بخـور او مستکی می باشد.

جدول ساعات در شبانه روز

عناوین	ساعت ۱	ساعت ۲	ساعت ۳	ساعت ۴	ساعت ۵	ساعت ۶	ساعت ۷	ساعت ۸	ساعت ۹	ساعت ۱۰	ساعت ۱۱	ساعت ۱۲
شب شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
روز شنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
شب یکشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
روز یکشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
شب دوشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
روز دوشنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
شب سه شنبه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
روز سه شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
شب چارشنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
روز چارشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
شب پنجشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
روز پنجشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
شب جمعه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
روز جمعه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری

قمر در غرب

ایامی وجود دارند که باصطلاح منحوس و نیز مسـعود مـی باشـند بـرای اقـدام بکارهای غالبا مهمتر و حساستر زندگی بایستی از این ایام خبردار شد. حتی نوشته انـد

چنانچه در این ایام امری بقصد خیر هم اگر سـر بزنـد نتیجـه خـدای نـاکرده معکـوس خواهد داد . هر طالع در ماه چند روز قمر در عقرب و نحـس مـی باشـد و در ایـن ایـام نباید دست بکارهایی مهم مثل سفر یا ازدواج و ... زد. گفته اند تنها در امر بغض و کینه و عداوت و آوارگی ، برای آنشخص که اگر قمر در عقرب باشد ، بطور دائم باقی میمانـد مگر آنکه باطل شود!

در جدول ذیل ما ایام منحوسه هر طالع را ذکر میکنیم :

ردیف	بروج	توضیحات
۱	حمل	از روز ۱۶ تا نصف روز ۱۸ نحس میباشد.
۲	ثور	از روز ۱۳ تا نصف روز ۱۵ نحس میباشد.
۳	جوزا	از روز ۱۱ تا نصف روز ۱۳ نحس میباشد.
۴	سرطان	از روز ۸ تا نصف روز ۱۰ نحس میباشد.
۵	اسد	از روز ۶ تا نصف روز ۸ نحس می باشد.
۶	سنبله	از روز ۳ تا نصف روز ۵ نحس میباشد.
۷	میزان	از روز ۱ تا نصف روز ۳ نحس میباشد.
۸	عقرب	از روز ۲۸ تا نصف روز ۳۰ نحس میباشد.
۹	قوس	از روز ۲۶ تا نصف روز ۲۸ نحس میباشد.
۱۰	جدی	از روز ۲۳ تا نصف روز ۲۶ نحس میباشد.
۱۱	دلو	از روز ۲۱ تا نصف روز ۲۳ نحس میباشد.
۱۲	حوت	از روز ۱۹ تا نصف روز ۲۱ نحس میباشد.

....

چند نکته ظاهرا خارج ار موضوع و بحث برانگیز :

دعای زبان بندی

گفته شده است که این آیات شریفه را بر روی برگ کاغذ آبـی نوشـته و سـپس آنرا در جای تاریک و مرطوبی دفن کنید ، این ایات را باید نوشت :

بسم الله الرحمن الرحیم

یا الله انا نحن نزلنا الذکر و انا لـه لحـافظون یـا رب الاربـاب یـا الله بسـتم زبـان (مـثلا) جمشید بن چالنگی یا الله یا شکیکفی یا قاهر و یا الله .

چند موضوع !!

ذکر یک نکته خاص و تامل و احیانا مخالفت برانگیز آنکه گفته شده که هر گـاه دعا یا طلسمی یا تعویضی آتشی برای خود یا کسی نوشتید باید توجه داشته باشید کـه در آن نامهای اسم اعظم و هر نامی را به حروف ابجد نوشته شود در غیر اینصورت حتما مورد غضب موکلین و رجال الغیب خواهید شد. اسم شخص و یا اسم اعظـم را بحـروف ابجد نوشت مثلا علی را (۱۱۰) باید نوشت و یا الله را (۶۶) !

یا مثلا ؛ سعید بنت مریم را باین صورت باید نوشت : (۱۴۴) بنت (۲۹۰)

یا گفته شده است که هرگز در شب تعویض ننویسید چرا که بعدا در منزل خود موجب جنگ و نزاع میگردد و میل نوشتن و تصمیم گرفتن با خودتان می باشد.



جفـــــــر !

الحمدلله رب العالمین

بعضی از مطالب را نمیتوان و نباید برای همه نوشت . یا مصلحت نیسـت یـا حـق انسـانهای ذیحق ضایع میشود یا قابلیت نیست یا سوء استفاده را ممکن میسازد یا بدلیل جهالت جهـال مـورد تمسخر قرار خواهد گرفت و یا شاید زمانش نرسیده باشد و هزار و یک دلیل گفتنی و ناگفتنی دیگر ! بعضی مطالب را باید برای اهلش گفت و نوشت . برای اهل لطف و صفا ! برای افـراد صـاحب ذوق ! تنها برای طالبان ! و برای اخوان صفا ؛ نه از روی حسادت بلکه از روی غیرت و خود شاید بـدانی یـا ندانی ! مزد من برای در دسترس بودن این اثر برای شما ؛ پول نیست ؛سهم مرا یک دعـای عاجـل و خیر و از روی اخلاص و صمیمیت قرار داده و برای فرزندانم ! بد که نخواستم !

به جدول زیر توجه کنید :

ردیف اول (اساس) . ردیف دوم (نظیره) . ردیف سـوم (مستحصـله) . ردیـف چهـارم (غرنوینه) . ردیف پنجم (صدر موّخر) . ردیف ششم (تکیر مراتب) .

اساس	ه	ا	ل	ع	ی	ن	ق	ا	ف	غ	ی	ن	ا	ل	ف	ل	ا	م	ب	ا	ی	ا
نظیره	ص	س	ض	ب	خ	غ	ه	س	ج	ن	خ	غ	س	ض	ج	ض	س	ظ	ع	س	خ	س
مستحد صله	س	ق	ج	ه	ب	ع	ق	ث	ز	ن	ز	م	ج	ل	ث	ن	ش	ج	ن	م	ط	ع
غرنوینه	ع	د	د	و	ا	س	ر	خ	ح	ل	ح	ن	د	ل	خ	ه	ت	د	م	ن	ی	س
صدر موخر	س	ع	ی	ر	ن	د	م	و	ت	ا	ت	س	ه	ر	خ	خ	ن	ج	د	ل	ن	ح
تکیر مراتب ح	س	ن	ع	ل	ی	د	ر	ج	ن	گ	ز	خ	م	خ	و	ر	د	ه	ا	س	ت	

جواب حاصله در ردیـف آخـر جـدول و در سـتون (تکیـر مراتـب) میشـود : [حسنعلی در جنگ زخم خورده است]

توضیح بسیار پوشیده و اشاره وار (صرفا با ادعای اینکه این فن باید از جهـال و نااهـل پوشیده باشـد) در خصوص جواب حاصله و طریقه محاسبه آن علم جفر را بدینصورت داده اند :

سوال فوق چه بوده است ؟ آن بوده که : [احوال حسنعلی در جنگ سیال کوت چگونه بود].

ا ح و ا ل ح س ن ع ل ی د ر ج ن ک س ی ا ل ک و ت ج ک و ن ه ب و د

جمع **اعداد** ۱۱۷۴ **حروف** ۳۱ **نقاط** ۱۲ **حروف ملفوظی** اینست .(در نسخه ای که من در دست مطالعـه داشتم حرف ل وجود نداشت و احساس کردم که اشتباه تایپی بوده است و لذا آنرا با رنگ قرمز در داخل حروف جای دادم چون هـم در معنـی و هـم در شـمارش تعـداد بایـد اینگونه میشد)

د ا ل ع ی ن ق ا ف غ ن ا ل ف ل ا م ا ب ا ی ا – حروف ۲۲ . والسلام.

چنانکه شنیده اید اصل این فن و یا علم را حـداقل در یـک مقطـع تـاریخی بـه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت می دهند . نقـل شـده از آنحضـرت کـه فرمـوده است : " عامل این علم را لازم است که همیشه با وضو باشد و از کـلام کـذب و فحـش زبان خود را نگه دارد تا از این علم نفع یابد ..."

گفته میشود که اهل فن و علمای علـم جفـر پاسـخ را از طریـق **جفـر جـامع** استخراج میکنند که به آن **جفر کبیر** گفته میشود.

روشهای استخراج جواب از جفر جامع :

روش نخست :

گفته شده است که استخراج جواب از طریق جفر جـامع (جفـر کبیـر) تحریـر کردن ابجد یعنی از دو چهار ابجد است از ۲۸ حروف ۲۸ جزو بر حروف ابجد قـرار داده اند و نیز هر حرفی از یک جزو یی منسوبست و هر جـزو او ۲۸ صـفحه اسـت و در هـر صفحه ۲۸ سطر و در هر سطر ۲۸ خانه است و در هر خانـه چهـار حـروف دارد و تمـام صفحات ۷۸۴ خانه حروف دارد و تمام صفحات ۷۸۴ خانه حرف دارد و تقسیم ۲۸ جزو بر سبعهٔ سیّاره است و هر سیّاره از هر اقلیمی تعلق دارد و از قیاس یک جزو یک اقلـیم و هر صفحه یک شهر و هر یک سطر یک محله است و هر خانه یک مکـانی اسـت و در صفحه اول خانهٔ اول جفر جامع ۴ الف می باشد به این ترتیب : (اااا) و خانـهٔ دوم از سطر اول جزو اول در صفحه اول سه الف و یک ب می باشد به این ترتیـب : (ااا ب)

و خانهٔ سوم از سطر اول جزو اول سه الـف و یـک جـیم مـی باشـد : (ااا ج) و خانـهٔ چهارم از سطر اول جزو اول سه الف و یک دال می باشـد : (ااا د) و قـس علیهـذا تـا آخر که چهار غین دارد به این صورت : (غ غ غ غ) .

اگر قصد بر آن باشد که تمامی این حروف را بنویسید باید بسیار دقـت کـرده و با حوصله تمام و احتیاط کامل این جدول را کامل نمـوده چـرا کـه حتـی یـک غلـط و اشتباه جزیی باعث خواهد که کل اعمال محاسبه غلط از آب درآید. طریق نوشـتن هـم بدین نحو میباشد که حرف اول علامت جزو ۲ علامت جزو ۲ علامت صـفحه ۳ علامـت صفحه ۴ علامت خانه است در استخراج پاسـخها و مطالـب کلـی و جزیـی – در هـین خصوص از حضرت امیر (ع) منقولست که احوال را استخراج کند و معلوم کند و ببینـد که در هر صفحه که احوال ماضی باشد – حروف اوّل ملفوظی و مکتوبی و مسـروری آن را علیحده جدا بنویسید .

ملفوظی بر سه قسم است ؛ حرف اوّل ملفوظی ۱۳ حرف می باشـد ؛ قسـم دوم مکتوبی ۳ حرف است و مسروری ۱۲ حرف است .

ملفوظی :

الف	جیم	دال	کاف	لام	سین	عین	صاد	قاف	شین	ذال	ضاد	غین
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳

حرف اول ملفوظی را (زُبر) می گویند و باقی را (بیّنه) .

مکتوبی : (و ی ن)

۱	۲	۳

مکتوبی نیز بقسم ملفوظی است ؛ یعنی حرف اول مکتوبی را (**زُبر**) و باقی را (**بیّنه**)گویند .

مسروری :

با	تا	ثا	حا	خا	را	زا	طا	ظا	فا	ها	ما
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲

اما در مسروری یک حرف اول (**زُبر**) است و دومی (**بیْنه**) .

حال ؛ حروف هر سه قسم را جدا جدا نموده یعنی ملفوظی جدا ،مکتوبی جـدا و مسروری هم جدا نوشته شود و برابر او مکتوبی م مسروری نوشته یـک سـطر اسـتخراج کند ؛بعدا اِعراب دهد (اِعراب گذاری نماید) عبارت ماضی معلوم خواهد شد.

در هر سطری از جفر جامع ، اسم سائل باشد از آن خانه که در سـطر اول اسـت آن احوال ماضی است و در هر سطری که با نام باشد آن احوال **حال** است و سطری که زیر خانه است ، آن احوال **استقبال** (آینده) است .

روش دوم :

طریقه دیگر استخراج چنین است که تمام اعداد سوال سائل را جمع کند و از او حروف بنا کند و چهار درجه حاصل کند. اول درجه آحاد (یکان) . دوم ، درجـه عشـرات (دهگان) . سوم ،درجه مآت (صدگان) . چهارم ،درجه الوف (هزارگان) . و از این چهار حروف بنا کند که صفحه ؛ جفر جامع معلوم خواهد شد.

روش دیگر :

عده ای از اهل فن میگویند که بدوا سوال سائل را زمام (اختیـار) کنـد یعنـی تکسیر صدر و مُآخّر تا زمام حاصل آید ؛ بعد از آن تمـام حـروف ملفـوظی و مکتـوبی و مسروری را جدا جدا بنویسد ، امتزاج دهد ،هشت صفحه حاصل شـود ،بعـد اعـدادش را جمع کند و اعداد اسم الله ۶۶ اسـت ضـرب کنـد ، بعـد حاصلضـرب را نصـف نمایـد و آنقدری که عدد باقی ماند ، آن اعداد را بر اعداد بسم الله الرحمن الرحیم ، ۷۸۶ اسـت ، تقسیم نماید و هر چه باقی ماند آنرا با اعداد صفحه سائل جمع کند و حاصـل جمـع را در صفحات جفر جامع را عددی طولا از اول تا خانهٔ هشتم بنور و فکر ببینند اگـر اعـداد هر دو خانه و اعداد مجموع مساوی باشند ، اعداد تمام سـطر ایـن خانـه حاصل کـرده صفحه جفر جامع کامل کند و شمار عدد از این اعداد ۲۸ خانه تقسـیم کنـد و بـر هـر خانه که منتهی شود آنرا جدا بنویسد و همین طور باعتبار هریک صفحهٔ جدا بنویسـد و از ترکیب این صفحه چهار حروف برای هر خانه تا هشت صفحه بترتیب بنویسد تا ایـن که طرح ۲۸ عدد تمام شود و از حروف حاصل ۴ قسم برابر کند و هریک قسـمی بـاین ترتیب که بیان شد حروف جدا جدا بنویسد. مثلا حروف قسم اول را طرح ۷۷ کند ،بعد طرح ۶۶ کند ، بعد طرح ۵۵ کند ،بعد طرح ۴۴ کند ،از اول تا آخر همینطور طرح کنـد و هرچه از طرفی باقی ماند درآخر او را بنویسد یک سطر حاصل شود ،او را بنویسد مگر قسم اول و سیم حروف را که بحال خود بگذارد و حروف قسم دوم را و چهـارم را طـرح

۷۷ کند ،با زطرح ۳ و ۳ کند ۱۱۲ حرف استخراج خواهد شد ، بعد جمع حروف زمام را بیاورد بعد تکسیر و صدر مُآخّر کند بحکم خداوند جواب موافق مطلـب حاصـل خواهـد شد. نظما یا نثرا . (۱)

آموزش پیچیده در قالب اشعار

در ادبیات عهد قدیم برای پرهیز از بیان روشن یک مطلبی که حالت رمز داشته و یا گوینده یا نویسنده قصد آنرا نداشته است که هر خواننده ای بجز اهل فن از آن سر در بیاورد ، موارد را در قالب اشعاری قالب بندی میکرده و حتی الامکان با وزن و قافیـه شعری هم تطابق میداده است و این طریـق را گـاهی بـرای تفـریح و یـا بـرخ کشـیدن صناعت شعری خود و امثالهم نیز بکار می برده اند . بهر تقـدیر در خصـوص روش اخـذ جواب از فن جفر نیز کسی در قالب پنج بیت شعر یک روش این علم را توضیح میدهـد که ما عینا آنرا نقل میکنیم :

سؤال از جفر جامع گر نمایـــــــی ‌‌‌ بکن مستحصله بهر خود آسـان
ترفعّ یا ترقی یا تنـــــــــــــــزّل ‌‌‌ مساواتت کند با اهل عرفـــــان
به قسمت چارکن هر حرف خود را ‌‌‌ به جای خود گذار از بهر درمان
تو بدّوّح یُلّن داده ترقّـــــــــــــع ‌‌‌ عصر تخضع ترقی ده دو چندان
تنزّل ط ذ ث شغفـــــــــــــــس ‌‌‌ مساوات جهر طلم داخـــــل آن

توضیح مختصرش آن میشود که ؛

ابتدا سؤال را بصورت مقطعه بنویسید و جمع کنید عدد او را یک سطر بنویسید ، عـدد وسیط مجموعی را بگیرید و در پهلوی عدد جمع اصل بنویسید .

بعد تعداد حروف به عدد نقاط بنویسید ؛ مُلّقب آن عدد حروف علیحده بنویسید .

بعد حروف استخراج نمایید.

بعد صدر موخّر نمایید نظیره کواکب داده ، نظیره بدوح داده و

بعد حروفات را به مطلوب دهد ؛ جواب بیرون آید.

در تمامی این مراحل دقت شرط اصلی صحت محاسبه است !

حال ما با ذکر مثالی سعی خواهیم کرد که تا حدودی موضوع را بلحـاظ تصـویر سـازی ذهنی ؛ کاملتر و باصطلاح نهادینه تر نماییم . مثال :

(سؤال) :

امروز دوشنبه اسماعیل پسر هادی در خانه مسیح خواهد آمد یا نه ؟

گفتیم که اول باید حروف مقطعه سؤال را بنویسیم ، پس بصورت زیر سـوال را بصـورت حروف مقطعه درآورده و می نویسیم :

ا م ر و ز د و ش ن ب ه ا س م ا ع ی ل پ س ر ه ا د ی د ر خ ا ن ه م س ی ح خ و ا ه د ا م د ی ا ن ه

در مرحله بعد همانطور که در بالا توضیح دادیم باید جمع کرده و عدد وسیط مجموعی را بگیریم و در پهلوی عدد جمع اصل بنویسیم. با این وصف خواهیم داشت :

عدد اصل ۲۸۱۷ وسیط مجموعی ۱۶۴ حروف ۴۵ نقاط ۹

(حروفی را که دارای بیش از یک نقطه بوده ؛تنها یک نقطه بحساب آورد مانند پ ؛وگرنه مجموع نقاط ۱۳ میشد نه ۹)

در مرحله بعد گفتیم که تعداد حروف به عدد نقاط باید بنویسیم ملقب آن عدد حـروف علیحده بنویسیم و بعد حروف استخراج نماییم ؛با این حساب ۹ تـا حـرف بـه تعـداد ۹ نقطه می نویسیم و ... خواهیم داشت :

ز	ا	ی	ص	ا	د	غ	ی	ن	ق ا ف	ه ا	م ی م	ط ا	ی ا

بعد گفتیم که **صدر موخّر** باید نمود :

ا ز ی ا ا ی ط ض م ا ی د م ب ا ا ه غ ف ی ا ن ق د ن ا ی ل س

بعد **نظیره کواکب** :

ایقغ ن ک ث ن ن ث م د ط ن ث ض ط خ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ح غ

بعد **نظیره بدوح** باید داد:

احجش ج د ا ج ج ا ک ط ذ ج ا ن ه ج ج س ظ ت ا ج ث خ ف ز ج ا و ع

در مرحله بعد گفتیم که حروفات را به **مطلوب** باید داد:

د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب د خ ث ص خ د ب ه س

مرحله بعد هم بیرون آمدن **جواب** هست :

د و ش ن ب ه ا س م ا ع ی ل ب س ر ه ا د ی ب ه خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د

دوشنبه اسماعیل پسر هادی به خانه مسیح خواهد آمد.

نظیره ایقغ) ا ی ق غ ب ک ر ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

دایره احجش ا ح ج ش د ل ه ط س ع ق ت س ب
ب و ن ت ک ل م خ ذ ص غ ر ص ز ی

طالب مطلوب هر حرف و قرینه

ا	ج	ه	ذ	ط	ک	م	ر	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

قاعده دوم

قاعده دوم را بطور خلاصه بدینصورت تشریح کرده اند که اهل فن ؛ جواب و سؤال سائل را مطابق سؤال حاصل میکنند ، حروف هر سه قسم (یعنی ملفوظی ؛ مکتوبی و مسروری) را امتزاج داده و صدر مآخّر کرده و جواب را حاصل می نمایند.

درباره استخراج جواب سؤال از جفر جامع از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که احوال سائلی را دریافت کند فرموده اند که ؛

اسم سائل در هر صفحه ای که معلوم شود از سطر اول آن صفحه تا نام سائل آن ، ماضی است (آنچه گذشته است)

و در سطری که اسم سائل است ،آن زمان حال است

و آنچه بعد از این سطر است آن زمان استقبال است .

و اگر بخواهد که احوال تمام استقبال و حال سائل دریافت کند آن سطرهایی که برای استقبالند خانهٔ او تا د آن بشمارد و هر یک خانه چهار و چهار حروف استخراج کرده و همه را جمع کرده و زُبُر بیّنات را جدا کند ؛ بعد از این حروف ملفوظ را جدا کند و مکتوبی و مسروری بنویسد. این قسم تمام حروف را یک سطر بنویسد ؛ بعد از آن سطر را در صدر مؤخّرات گردش دهد . وقتی که زمام درآید در سطورات تکسیرات نظر کند اگر جواب سائل درآید بهتر والّا جواب نیافت ، پس در سطورات دقیقا و کاملا منسوبا و مقلوبا و عرض و طول و عمق و قطر نظر کند ، تمام احوال آینده گویا خواهد شد و اگر باز هم گویا نشد سطر او را جدا بنویسد و بر اربعه عناصر حروف گردش دهد و امتزاج

دهد اوّل آتشی بعد بادی بعد آبی بعد خاکی ، همینطور این چهار حروف را جدا امتـزاج داده جدا کند مربع را منسوب و مقلوب کند تمام احوال گویا خواهد شد.
با ذکر مثالی در روشنی این مطلب میکوشیم :
مثال : عناصر اربعـه مـثلا (ط) آتشـی ؛ (ی) بـادی ؛ (ک) آبـی و (ل) خـاکی ؛ مجموع ط ی ک ل می شود ؛ این چهار حروف را منسـوب و مقلـوب کـردیم طیکـل ؛ لکیط ؛ یکطل ؛ لطیل ؛ کیطل ؛ و طک لطکی شد ، همین طرح ۴۴ .
و **طریقه دوم** این است که :
اول سطر را به غیر امتزاج داده ، ۴۴ حرف جدا کند و بنویسد و هر چهار قطعه را مقدم و مُوخّر کند و اِعراب عنصری دهد ، مطلب معلوم میگردد!
طریقه سوم این است که :
که چهار حروف را جدا بنویسد و اعداد جمله کبیر استخراج کرده ، حروف از اعداد پیدا کند و از آن حروف یک سطر بنویسد ؛ صدر و مـؤخّر کنـد کـل احـوال سـائل دریافـت خواهد شد آن چهار حروف اینها هستند : ط ۹ ؛ ی ۱۰ ؛ ک ۲۰ ؛ ل ۳۰ ؛ جملهٔ عدد (۶۹) شد از این لفظ ؛ سط – طس – بنا کردیم ، این چهار حـروف را زُبـر بیّنـه کـرده امتـزاج دهـد ؛ ط ا ی ا ک ا ف ل ا م ج ی ف ق . مجمـوع (۱۹۳) ج ص ق ثلاثـه و تسعین بعد المائه ؛ مقطعه ث ل ا ث ه ث س ع ی ن م ا ت ۹ .
این همه تخلص کردیم ث ل ا ه ت س ع ی ن م – شد.

بزرگان و قواعدی از علم جفر

در اکثر آثار مربوط به علم جفر بلااستثناء از اهل بیـت (ع) بـویژه از حضـرت علـی (ع) بعنوان استاد این فن ذکر میشود که مـا در همـین اثـر در جـا جـای آن حسـب مـورد اشاراتی را داشته و خواهیم داشت. از امام محمد بـاقر (ع) و امـام رضـا (ع) و ... از اهـل بیت که بگذریم از بزرگان علم و ادب ایران نیز طریقه هایی نقل شده اسـت کـه مـا در زیر به چند نمونه اشاره میکنیم:
اثری بنام سرّالاسرار معروف به حلاج الاسرار را که منسوب به **حسین منصـور حـلاج** میباشد ؛ نیز در خصوص قاعده استخراج جواب سائل ، روشی را طرح نموده است.
گویند در آن اثر نوشته است که ؛ نخست ؛ سؤال را فرد فرد بنویسید ، بعـد از آن طـالع وقت استخراج کرده اوتاد یعنی خانهٔ اول و ۴ و ۷ و دهم و تمام بروج فـرد فـرد تحریـر کند به این شرط که کل حروف در یک سطر بیاینـد. بعـد بسـیط تکسـیر کـرده تمـام

حروف را تخلیص کنند ؛ بعد از صدر و مؤخّر زمام حاصـل کـرده و در عـرض و طـول و عمق و قطر این جدول ملاحظه کرده ببینند که از یک یا دو کلمه جواب شافی حاصـل خواهد شد . بقول مذهب اشراقیه اگر سؤال در فارسی یا عربی یا هند یا در هر زبانی که باشد ، جواب ظاهر گردد.

در همین خصوص از **خواجه نصیرالدین طوسی** نیز قاعـده ای نقـل اسـت کـه ؛ اول حروف سوال را جدا جدا بنویسند ؛ بعد حروف مکرر و تکراری را بیانـدازد ؛ اسـم سـائل که غیر از تخلیص مذکور در حروف قاطی کند و علیحده بنویسد و اعداد جمع کرده بـر منازل قمر تقسیم کند و اگر ۲۸ عدد کم بماند بر حروف ابجد قطب طرح کند و بر هـر حرفی که منتهی شود آن حرف را نظیره ابجدی اصـلی دهـد ایـن مستحصلـه اسـت و حروفی که از سؤال سائل مستخرج داند آن را اول از حروف ابجد قطب دریافته از ابجـد اصلی نظیر داده جدا تحریر کند این مستحصله دیگر است و اعدادی کـه از مستحصلـه اول پیدا کرده بودند ؛ آنرا از حرف قطب ابجد حرف سـیم و چهـارم و ششـم و هفـتم و نهم از استخراج خانهٔ قطب ابجد آنقدر اعداد که از سوال حروف پیدا شوند هر یک حرف از شمار این خانها استخراج کند این اسمش مستحصلهٔ خالص است بدانکه هر وقتی که سائل سوال کند آن وقت قاعده اهل نجوم طالع وقت استخراج کرده برج طالع را معلـوم کنند.

قاعده استخراج طالع وقت و استخراج آفتاب عالمتاب – اول دریافت کند که آفتـاب در این وقت در کدام برج است و چند درجه طی کرده است و طالع وقت در این بهمراهـی کدام منزل است و قمر در کدام منزل است . آفتاب و بروج و قمر و برج و برج منازل هر چه در جدولات مآت حروف تقسیم شـود از آن جـداول حـروف اسـتخراج کـرده جـدا بنویسد این حروف را جمع کرده از قطب ابجد مرتبه دریافته نظیـره ابجـد اصـلی دهـد ،این هم اسمش مستحصله است.

قاعده مرتبه حروف ابجد اصلی این است که اول ابجد را بر سه حصه تقسیم کند . اول ، از الف تا طا ؛ مرتبه آحاد است . دوم از ی تا صاد ،مرتبه عشرات است . سـوم ، از ق تـا ظا ، مرتبه مآت است و غین مرتبه الوف است.

مثلا ؛ اول حروف سوال سائل را تخلیص کند و حروف شماره کرده جـدا بنویسـد . بعـد حروف اسم سائل غیر تخلیص را در حروف تخلیص مذکور شریک گردد ، اعداد هر یـک از حروف را از ۹ تقسیم کند. اعدادی که باقی ماند آن را معلـوم کنـد کـه در آحـاد یـا

عشرات یا مآتست ، حروفات درجه و مرتبه معلوم گردد جمع کند از عبارت جواب پیـدا خواهد شد ،نقش هم این است :

ابجد قطب

س	و	ا	ل	ع	ظ	ی	م	خ	ق	ح	ز	ت	ق
ص	ن	ذ	غ	د	ب	ش	ک	ض	ط	ه	ج	د	ث

ابجد اصلی

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

این مثالش چهار حرفی تحریر میشود . این را باید خوب در خیال بیاورد . مثلا ق ل ص م . این چهار حروف سوال و نام را از ابجد قطب دریافتیم به این ترکیب حرف اول قـاف است و اعدادش یکصد می باشد. این را از ۹ تقسیم کـردیم ، از صـد یـک بـاقی مانـد ، اسمش تقسیم آحاد است. از این سه حرفند **ا ب ج** و از ابجد قطب حروف گرفتیم ص ن ذ ؛ بعد از این عدد (ل) ۳۰ این را نیز ۹ تقسیم کردیم ، سه عدد باقی مانـد ،اسـمش تقسیم عشرات است . حروفش **ی ک ل** و از ابجد قطب این حروف پیـدا شـد ط ه ج ؛ بعد از این حرفش ص است ۹۰ عدد دارد این را از ۹ تقسیم نمودیم چیزی باقی نماند ، اسمش مآت است . حروف ابجد اصلی ق ر ش است و از ابجد قطب ظـاهر شـد ع ظ ی بعد از این حرف میم است که ۴۰ عدد دارد و این را از ۹ تقسیم کردیم ۴ باقی ماند ،باز اسمش تقسیم آحاد است حروفش از ابجد اصلی این است ؛ د ه و ز ؛ و از حـروف ابجـد قطب این است غ ر ب ش ؛از مذکور چهار حروف این کل حروف حاصل شـد : ص ن ذ ط ه ج ع ظ ی غ ر ب ش ،همینجور استخراج کرده نظیره دهد بعد سائل را جواب دهد . انشاء الله تعالی.

در بیان مداخل وفق زوجی

واضح باد که رفق زوجی دو قسم دارد :

قسم اول زوج مطلق دوم زوج زوج فرد زوج مطلق اسم ۴ حرفی یا ۶ حرفی یا ۸ حرفـی یا ۱۰ حرفی یا ۱۲ حرفی .

دوم ،زوج فرد اسم ۳ حرفی یا ۵ حرفی یا ۹ حرفی یا ۱۳ حرفی .

مثلا زوج مطلق اسم متعال ۶ عدد دارد و زوج فرد اسم متکبر ۵ حرف دارد. این هـر دو را جدا جدا و مفرد در جداول نوشتیم :

متعال

م	ت	ع	ا	ل	ی
ت	ا	ی	م	ع	ل
ا	م	ل	ت	ی	ع
ی	ل	ا	ع	ت	م
ع	ی	ت	ل	م	ا
ل۵	ع۳	م۱	ل۶	ا نه	ت۲

متکبر

م	ت	ک	ب	ر
ب	ر	م	ت	ک
ت	ک	ب	ر	م
ر	م	ت	ک	ب
۳	۴	۵	۱	۲
ک	ب	ر	م	ت

ابتث

ا	ب	ت	ث	ج
ج	ا	ث	ب	ت
ت	ج	ب	ا	ث
ث	ت	ا	ج	ب
ب	ث	ج	ت	ا

علیم

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
۲	۱	۴	۳
ل	ع	م	ی

بیان مداخل تکسیر منصوب الطرفین را بدانکه حروف سطر را در خانهای طاق یا جفـت یک یک حرف از هر دو طرف بنویسد تا زمام آید یعنـی سـطر اول در آخـر پیـدا شـود اسمش تکسیر منصوب الطرفین است و این مثالش است (نقش این است) :

ا	ه	ط	م
م	ا	ط	ه
ه	م	ط	ا
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م
ا	م	ه	ط
ا	ط	م	ه
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب
ب	م	ه	ف	ش	ط	ا	ذ
ط	م	ذ	ب	ف	ش	ه	ا
ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب

در بیان مقلوب التکسیر بدانکه حروف سطور در خانهای طاق یا جفت یک یک حرف هر سطر را بنویسید لکن هر دو سطر حرف اول قائم باشد بر این مثال :

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل
ی	غ	ک	ج	ل	ر	ب	ق	ا
غ	ج	د	ق	ا	ب	ل	ک	ی
ج	ق	ب	ک	ی	ل	ا	ر	غ
ق	ک	ل	د	غ	ا	ی	ب	ج
ک	ر	ا	ب	ج	ی	غ	ل	ق
ر	ب	ی	ل	ق	غ	ج	ا	ک
ب	ل	غ	ا	ک	ج	ق	ی	ر
ل	ا	ج	ی	ر	ق	ک	غ	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل

در بیان تکسیر زوج بدانکه تکسیر زوج زوج این را مـی گوینـد حـروف جفـت و سـطور جفت باشد دو حرف از سطر بردارد بر تمام سطر عمل برابر کند.

خانه های طاق بدانکه تکسیر معکـوس آنـرا گوینـد حروفـی را کـه از سـطر بردارنـد و بموجب قاعده تحریر کنند و مثال اینست.

ا	ی	ق	غ
ق	ی	غ	ا
غ	ی	ق	ا
ا	ی	ق	غ

نقش این است :

ا	ی	ق	غ	ب	ک
ک	ق	ب	ی	غ	ا
ی	ب	ک	ق	ا	غ
ق	ک	ا	ب	غ	ی
ب	ا	غ	ک	ی	ق
ک	غ	ی	ا	ق	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک

....

پی نوشت علم جفر :

(۱). این مطالب با استناد و استفاده از نسخه فردی بنام آقای محمد عطاری تنظیم شده است که بنظـر میرسـد یـا تعمد داشته که این همه مقلق بنویسد و یا آنکه توان جمع و جور کردن و سلیس و روان نویســی را ایـن بنـده خـدا نداشته است ؛ زیرا همانگونه که ملاحظه میفرمایید ، بسیار بد و با انشایی ضعیف توضیح داده است ولی بهرحال باید از او تشکر کرد که بالاخره با خسّت کمتری ، تلاشی برای همین مقدار آموزش را هم داشته است !



بنام خدای علیم و حکیم

اســـــــرار رمـــل (۱)

- شرایط اشکال
- قواعد متفرقات
- صفت اشکال
- احکام خانها و طریق احکام گفتن رومیان و.....

بعنوان مقدمه :

گفته شده است شرائط نخست رمل آنستکه وقت آنرا بدانیم و با اعتقاد کامل به آن به عمل بدان پرداخته شود نه آنکه به قصد تســت و آزمـایش آن . ذهـن و ضـمیر و خاطر از اشتغالات دیگر پاک ساخته و با توسل به حضرت رب العالمین خواستار کشـف حقائق شود ! در تمامی علوم غریبه تاکید بر ایمان و باور بدان از ارکان اصلی آمـوزش و اشتغال بدان ذکر شده و میشود و گویا از این جهت این فنون و علوم بیشــتر بـه ادعیـه ماند که برای اجابت بایستی ایمان و ایقان کامل بروا شدن آن داشت!

دستور است که بعد از توجهات فوق این آیت هفت بار خوانده شود : " و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا حبه فی ظلمات الارض

و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین " توصیه شده است که سه بار و یا اگر نتواند لااقل یـک بـار بخوانـد و اولـی آنست که اول صلواۀ بر محمد و آل محمد (ص) و بعد فاتحه بخواند و سوره انا انزلنا را سه (۳) مرتبه و صـلواه پـانزده (۱۵) مرتبه بخواند و سپس قرعه بیاندازد و یا آنکه نقطه بریزد . اگر خواسته که نقطه انداخته باید که از جانب یسار (راست) مقدم کرده و بطرف یمین (چپ) برود و چهار سطر از نقطه بهمین طریق که بریزد که هـر سـطری کمتـر از شانزده نقطه نباشد تا یک شکل حاصل شود و همین چهار سطر چهار سطر نقطه ریـزد تـا چهـار شـکل کـه آنـرا " امهات رمل " گویند حاصل شود و از ساعتی که مناسب رمل زون نباشد اجتناب نماید ؛ که آن بیان نماز پیشـین و نماز دیگر است و وقتی که ابر باشد و اصحاب این عمل را بتجربه معلوم شده که در این اوقات حقیقـت حـال سـائل خوب معلوم نگردد و و قتی که پسندیده آید ، پیش اول از شب که خلق آرمیده باشد و آمد و شد مردم منقطع شده باشد ، خاصه که ابر و باد و صاعقه نباشد !

فصل اول : در شرائط اشکال و آنچه که در این علم ضروری تر باشد.

اشکال	توضیحات				مـــــــــــــــــــلاحـــظات
	طبــــــــع و	سعد و نحس	کــــــــواکب و	متعلق به روز	
	مشرقی و ناری	سعد اکبر	متعلق بمشتری	پنجشنبه	سه خط افقی روی هم و یکنقطه بالای آن
	مغربی است	سعد	آفتاب و ماده	یکشنبه	دو خط افقی و دو نقطه یکی در میان
	آتشی	نحس	راس و مذکر	سه شنبه	مثل بالا نقطه برعکس (بالاست)
	جنوبی	سعد	عطارد و ممتزج	چهارشنبه	چهار خط افقی روی هم
	مغربی	سعد	زهر منقلب و ماده	جمعه	مثل شکل تقسیم
	جنوبی	نحس	زحل منقلب و ماده	شنبه	دو خط افقی دو نقطه بالا و پایین
	جنوبی	نحس	زحل منقلب و ماده	شنبه	سه خط افقی و یک نقطه در پایین
	مغربی	نحس	مریخ ثابت و مذکر	سه شنبه	سه خط افقی و یک نقطه زیر خط بالا
	شمالی	سعد	قمر و ماده	دوشنبه	برعکس بالایی
	مشرقی	سعدخارج	آفتاب و مذکر	یکشنبه	دوخط و دونقطه بالای آنها
	آبی و شمالی	سعد داخل	مشتری و مونث	پنجشنبه	برعکس بالایی
	مشرقی	نحس	ذنب و مذکر	شنبه	یک خط و سه نقطه بالای آن
	آبی	نحس	مریخ و منقلب مذکر	سه شنبه	یک خط و یک نقطه بالا و دو نقطه پایین
	مغربی	سعد داخل	زهره و ماده	جمعه	یک خط و سه نقطه پایین
	جنوبی	سعد	عطارد و ماده و ممتزج	چهارشنبه	دوخط و دو نقطه داخل آنها
	شمالی	سعد	قمر و برج سرطان	دوشنبه	چهار نقطه روی هم

حدود اشکال را نیز بطرق زیر ترسیم کرده اند :

حـــد مشـــــرق	حـــد مغــــرب	حـــد شمــــال	حـــد جنــــوب

ضروریات اشکال لحیان :

.... تعلق بمشتری دارد و سعد اکبر است و مذکر مشرقیست و ناری اسـت پـس دلالـت دارد بـر خویشتن داری و پارسایی و از مواضع بکوههـای بلنـد و قصـرهای عـالی و مـدارس و مسـاجد و بـر چیزهایی که اولش باریک باشد و آخرش پهن باشد و از الوان سـفیدی کـه تمایـل بـزردی دارد و از

طبقات مردم سادات عظیم الشآن و علماء و قضات و اشراف و از صورت انسان مردی کوتاه گردن نـه فربه و نه لاغر بلند بالا و تمام هیکل و کوچک سر، بزرگ ریش ، دراز بینی ، خندان روی ، شـیرین سخن ، خیرخواه مردم ، پس ضمیر او سوال سائل اگر از سفر بود یا احوال غائبی یا وصلت یا نکاحی بود پس این چون ؛

بخانه اول باشد دلالت کند بر خوشدلی و تندرستی و افتادن سفر به ارادت و اگر دزد چیزی برده باشد بدست آید و اگر در خانه ۲ باشد دلالت کند بر افتادن سفر نزدیک و برآمدن از سفر برعـا و خوبی حال برادران و خواهران و خرج کردن مال به ارادت و جدا بودن از اخوان و خویشان ، و اگر در خانه ۳ باشد دلالت کند بر سفر نزدیک و نیکو بودن احوال خود و برادران و اقوام ؛ و اگر در خانه ۴ باشد دلالت کند بر خروج از مقام خویش بخوشحالی و دلالت کند بر رسـیدن خبرهـای خـوش از دوستان و اشنایان و کسان خود و بوجود فرزند شاد بـودن ، و اگـر در خانـه ۵ باشـد دلیـل بـود بـر خوشحالی فرزندان و معشوق و طلب فرزند و رسیدن خط و خبـر و یـافتن تحفـه و هدیـه و خـروج کردن فرزندان ،

و این ماجرا ادامه دارد ....

توجه : بیشتر این مطالب همانطوریکه ملاحظه نموده اید نقلی بوده و بصورت گلچین و تلخیصـی بـوده و دلیـل بـر قبول یا ناقبول راقم و گردآورنده این سطور نمیباشد . اما بسیار تلاش کردم تا این فنون را که بسـیار مـورد توجـه و علاقه و کنکاش اهل تحقیق و بخصوص جوانان اهل علم و فرهنگ میباشند ، بزبـانی سـاده و رسـا بـرای مخـاطبین بررسی و مطرح نمایم .

محمود زارع (مازندران . ساری . سوربن)





mahmoud

....

پاورقی اسرار رمل :

(۱) . جزوه کلیات مستطاب سرخاب رمل / نادرالرمل / شیخ عبدالله معین